

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شبه‌هنگ راد
۱۹ اپریل ۲۰۲۵

جنگ مشخصه‌های جامعه سرمایه‌داری

با بازگشت ترمپ به قدرت، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی در سراسر جهان افزایش یافته و خلاف ادعاهای مطرح‌شده، جنگ در بخش‌های مختلف به‌عنوان یکی از ویژگی‌های ذاتی نظام سرمایه‌داری، بیش از پیش نمایان شده است. همه به نوعی، چه به‌طور مستقیم و چه غیرمستقیم، در جنگ‌هایی که توسط قدرت‌مداران بین‌المللی سازماندهی شده‌اند، درگیرند. افزایش تعرفه‌های گمرکی قلمرومنشانه توسط ترمپ به بهانه بهره‌جویی دیگر کشورها از امریکا و هم‌زمان آسیب رساندن به زندگی مردم و تخریب زیرساخت‌های جامعه، طبقه سرمایه‌داری را در وضعیت بغرنج‌تری قرار داده است. به عبارتی، گوشه‌های مختلف جهان به درجات متعددی تخریب جنگ‌های اقتصادی و نظامی امپریالیست‌ها را تجربه کرده‌اند و به‌ویژه مناطق محروم و تحت سلطه، بیش از سایر نقاط، قربانی سیاست‌های قدرت‌های بزرگ شده‌اند. چرائی اصلی این موضوع به‌طور عام به ساختار اقتصادی حاکم بر جهان سرمایه‌داری و به‌ویژه سیاست‌های هیأت حاکم امریکا برای «بازگرداندن عظمت» و در حقیقت تعیین تکلیف برای رقبای اقتصادی، سیاسی و نظامی مرتبط است. با روی کار آمدن ترمپ، جهان بیش از پیش گرفتار بحران و افزایش فاصله طبقاتی شده و بار آن بر دوش سازندگان اصلی جوامع بشری تلنبار شده است. نیازی به ذهن خلاق برای درک این مطلب نیست که شرایط جهان امروز، به‌ویژه در حوزه‌های مختلف، یعنی اوضاع سیاسی و زندگی مردم، به مراتب دشوارتر و نگران‌کننده‌تر شده است. همین امر باعث شده که تشنج‌های سیاسی و اقتصادی میان اصلی‌ترین بازیگران جهان سرمایه‌داری وارد مرحله جدیدی شود. مخالفت‌ها با شعار «اول امریکا» و به دنبال موج بی‌سابقه اعتراض‌ها، از جمله ۱۲۰۰ تظاهرات علیه ترمپ و ماسک در یکی دو ماه اخیر، در واکنش به اقداماتی نظیر اخراج کارمندان، بسته شدن دفاتر اداره تأمین اجتماعی، تعطیلی برخی آژانس‌ها و تصمیم به اخراج ۱۲ میلیون مهاجر و پناهنده تحت عنوان «راهزنان و قاچاقچیان»، لغو ۲.۲ میلیارد دلار کمک مالی به دانشگاه هاروارد و اعتراض رئیس دانشگاه و ده‌ها مورد دیگر، نشان‌دهنده سیاست‌های ضد مردمی سیستم حاکم در جامعه امریکا است. سیاست‌ها و رویکردهایی که منجر به شکاف طبقاتی بین طبقه حاکم در راستای ستراتیژی‌های جهان سرمایه‌داری و همچنین ویرانی زندگی میلیون‌ها انسان رنج‌دیده شده‌اند. ترمپ در انتخابات ریاست‌جمهوری مدعی بود که توان سامان‌دهی به اقتصاد دربوداغان داخلی و بهبود زندگی مردم را دارد، اما در اولین فرصت، مانند سایر رؤسای جمهور، به خدمات اجتماعی و کاری حمله‌ور شد و خیل عظیمی از کارگران و مردم را بیکار کرده و در تنگنای اقتصادی بیشتری قرار داد. او مدعی بود که می‌تواند جنگ‌ها،

به‌ویژه جنگ روسیه با اوکراین را در مدت ۲۴ ساعت پایان دهد، اما نزدیک به ۴ ماه گذشته است، همچنان خانه‌ها مورد اصابت راکت‌های دو طرف درگیری قرار می‌گیرند و جان صدها نفر از مردم بی‌گناه و کودکان را می‌گیرند. به هر حال، ترمپ در این مدت نشان داده که به عکس ادعاهایش، قادر به تغییر مسیر دنیای پر آشوب سیستم سرمایه‌داری نیست و روز به روز با مشکلات بیشتری مواجه می‌شود؛ زیرا آشفتگی نظام امپریالیستی به مراتب بیشتر از فریادهای توخالی، زورگوئی و تهدیدهای بی‌عمل به دولت‌های سرمایه‌داری و سایر دار و دسته‌های خودساخته است. به طور قطع، جهان سرمایه‌داری در وضعیت شکننده‌تری قرار دارد و سیاست‌ها و راهکارهای کنونی قادر به پاسخگوئی به شرایط فعلی نیستند. ایرادگیری از جناح‌های رقیب و همچنین جابه‌جائی عناصر دولتی توسط هیأت حاکم، پاسخگو نیستند. مشکل مناسبات سرمایه‌داری و نخبه‌انان آن در نبود مدیریت صحیح این نماینده یا آن نماینده نیست، بلکه به ساختار آن مربوط می‌شود و خلاف یاهوگوئی‌های مدعی «بازگشت عظمت امریکا»، مشکل و آشفتگی بازار سیاسی و اقتصادی در امریکا، به بود و نبود دولت «کارآمد» یا عدم تعادل تعرفه‌های گمرکی با دیگر دولت‌های امپریالیستی مربوط نمی‌شود، بلکه به تولید و انباشت کالا و به‌ویژه ناتوانی تولیدکنندگان اصلی در تهیه نیازهای اولیه زندگی مربوط است. ترمپ محصول شرایط نابسامان نظام امپریالیستی است که به‌منظور طولانی‌تر کردن عمر ساختارهای فرسوده بر سر کار آمده است. وی تلاش می‌کند با قلدری، باج‌خواهی، اتمام حجت و تحمیل سیاست‌های امریکا به دیگر نمایندگان سرمایه‌داری، خودخواهی و قدرت بی‌بدیل خود را به نمایش بگذارد.

به موازات، ظهور هزاران اعتصاب کارگری و توده‌ئی، مخالفت‌های مستمر اجتماعی و تظاهرات در حمایت از قربانیان جنگ‌های امپریالیستی بیانگر این حقیقت است که قشر محروم و فرودست جامعه دیگر حاضر به قبول سیاست‌های دولت‌های بزرگ و وابستگان آن‌ها نیستند. دیده شده است که تغییرات از بالا و جابه‌جائی قدرت با دسیسه و توطئه در خدمت خواسته‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی میلیون‌ها انسان دردمند، جوانان و کودکان پامال شده نیست. علاوه بر این، معلوم شده است که همه جابه‌جائی‌ها و دسیسه‌های سازماندهی شده در خدمت سرکوب درخواست‌های اولیه زندگی مردم و همچنین کنترل بهتر اعتراضات کارگری و توده‌ئی بوده‌اند. در نتیجه، ترمپ مانند دیگر نمایندگان طبقه سرمایه‌داری به سر کار آمد تا خشم و نفرت کارگران، زحمت‌کشان و دیگر قربانیان ستم امپریالیستی را منحرف و کنترل کند. او به سر کار آمد تا «مقبولیت» ترک‌برداشته امریکا در عرصه بین‌المللی و داخلی را بازگرداند! شعار «اول امریکا» و تلاش برای «بازسازی عظمت» برپادرفته از جمله برنامه‌ها و سیاست‌های ترمپ در پیش و پس از انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا بوده و هست.

همان‌گونه که در بالا و در نوشته [ترمپ و رؤیای بازگرداندن «عظمت» به امریکا](#) آمده است، جامعه امریکا نه مسیری متفاوت از گذشته، بلکه در مسیر دیکته‌شده هیأت حاکم امریکا به‌منظور اعمال قدرت بی‌مانند اقتصادی، سیاسی و جنگی به دیگر رقبای امپریالیستی و به‌ویژه در تخریب بیشتر زندگی میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش، دانشجویان، زنان و کودکان پیش رفته و خواهد رفت. آمده است تا با حمایت بی‌دریغ از سگ‌های نگهبانی همچون نتانیاهو به کشتار بی‌دفاع‌ترین و محروم‌ترین انسان‌ها ادامه دهد. تا خرخره مسلح کردن نخبه‌انان خود در نقاط مختلف دنیا و به‌خصوص نتانیاهو چیزی جز حاصل سیاست‌های دولت‌های دزد و غارتگری همچون دولت امریکا نیست. وی ادعای بهبود زندگی مردم را دارد، در حالی که هزاران نفر را بیکار کرده است. خواهان صلح است، اما در یمن جان صدها نفر را می‌گیرد. دولت اسرائیل ۲ سال است که مردم و کودکان غزه را محاصره و زندگی را بر آنان تنگ کرده است، هم‌زمان، دولت ترمپ مدعی دفاع از انسانیت و صلح، خواستار کوچ مردم فلسطینی و واگذاری سرزمین‌های آنان به اسرائیل است! همان خواسته‌ای که بارها تکرار کرده و آن را مستحق سرزمین‌های اسرائیل می‌داند.

در مجموع، اگرچه جنگ‌های امپریالیستی تنها به غزه محدود نمی‌شوند و کشورهای دیگری مانند لیبیا، افغانستان، یمن، سوریه و سودان که بنا به رسانه‌های خودشان، بیش از ۱۲ میلیون نفر از محروم‌ترین اقشار این جوامع مجبور به فرار شده‌اند، از دیگر نمونه‌ها و اثرات سوء سیاست‌های امپریالیست‌ها به سرمداری امریکا هستند که به ترس، آوارگی و کشتار میلیون‌ها انسان و کودک افزوده است. متأسفانه جهان انسانی با چنین شرایط ناامن و دهشتناکی روبه‌رو است و خلاف پرگوئی‌های سازمان‌دهندگان وضعیت فعلی مبنی بر سامان‌بخشیدن به اقتصاد در هم‌پاشیده دنیا، مشهود است که هم تشنج‌های سیاسی و اقتصادی افزایش یافته و هم دامنه جنگ‌های امپریالیستی گسترده‌تر شده است.

به همین دلیل هیچ شگفتی در ادامه روند تاکنون و بروز بیش از پیش رویدادهای مخرب در قسمت‌های مختلف وجود ندارد. بی‌شک اوضاع فعلی پی‌آمد سیاست‌های امپریالیستی حاکم در جهان است و مجال تغییر آن را ندارد. از کار افتاده است و همه تلاش حامیان در این است که با تعرض و یقه‌درانی به این و آن، عمر آن را طولانی‌تر کنند. طبقات حاکم در جهان برای بشریت مضر بوده و زندگی را برای سازندگان اصلی آن تلخ کرده‌اند. با دودوزهبازی، راهاندازی و تشدید جنگ‌های مخرب در فکر بقاء هستند و به هیچ‌یک از قوانین، قرار مدارها و قطعنامه‌های تصویب‌شده توسط نهادهای خودی باور ندارند و همواره در حال نقض توأم با تداوم سرکوب وحشیانه فرودستان هستند. در تلاش برای بازگرداندن و آرام کردن جهان سرمایه‌داری به قیمت به فلاکت کشاندن زندگی مردم و آینده‌سازان جامعه، همچنین کوچاندن و قتل‌عام میلیون‌ها نفر از سرزمین خود مشغول‌اند. برای برگرداندن انحطاط اقتصادی خود، راهی جز حمله به توده‌های ستمدیده و ادامه جنگ‌های مخرب و ارتجاعي در نقاط مختلف دنیا ندارند.

خلاصه پاسخ، در دگرگون کردن شرایط فعلی و بازگرداندن قدرت به کارگران و زحمت‌کشان است. تنها از طریق حاکمیت ایدئولوژی مارکسیستی – لنینیستی است که جهان می‌تواند به رشد و پیشرفت دست یابد. این همان دنیائی است که میلیاردها انسان محروم در جهان خواهان آن هستند؛ دنیائی که متضمن آسایش و آرامش همراه با آموزش سازنده برای آینده‌سازان جامعه خواهد بود.

۱۸ اپریل ۲۰۲۵/۲۹ فروردین-حمل-۱۴۰۴